یادداشت

الهیات می‌تواند الهیات بماند؛ اگر...



دکتر مهراب صادق‌نیا
عضو هیئت‌علمی دانشگاه ادیان و مذاهب

در مقاله‌ای از «اِرنا الیور» می‌خواندم که در برخی کشورها مانند آفریقای جنوبی به‌دلیل کسادی بازار دانشجو، رشته‌های الهیات تعطیل شده‌اند. در ایران نیز گویا وضع دست کمی از آن ندارد. برخی دانشگاه‌های غیردولتی را می‌شناسم که به بهانه غیرجذاب‌بودن الهیات تلاش دارند آن را از نظام آموزشی خود حذف کنند و رشته‌های دیگری را جایگزین کنند. احوال دانشگاه‌های دولتی نیز تا اندازه‌ای همین است. به‌هرحال، برای دانشجویی که عمر و پول خود را هزینه می‌کند، پرسش از سودمندی آنچه می‌خواند باید طبیعی باشد. او دوست دارد بتواند با دیگر رشته‌های علمی در تعامل باشد و با کمک آن‌ها بتواند جهان اطرافش را معنادارتر کند. چندی پیش، یکی از دانشجویان ما که از رساله‌اش دفاع کرده و اکنون برای خودش دکتر شده است، می‌گفت که از خواندن الهیات پشیمان است و می‌خواهد دوباره از اول و مقطع کارشناسی حقوق بخواند. برخی از جامعه‌شناسان دین مانند تیلور، این پدیده را نشانه سکولاریزاسیون می‌دانند و معتقدند جهان جدید، دین و الهیات را از حوزه عمومی کنار می‌گذارد. از نگاه او اگرچه روزگاری توماس آکوئیناس، الهیات را ملکه علوم می‌دانست، اما گویا وقت آن رسیده است که این ملکه، تاج خود را تحویل علوم دیگر دهد و به گوشه کلیسا پناه ببرد.

با این حال نمی‌توان با تیلور همدلی کرد. شواهد تجربی چیز دیگری را حکایت می‌کنند. هنوز هم در جهان مسیحیت، کتاب مقدس بیشتر از هر کتاب دیگری چاپ می‌شود، بیشتر از هر کتاب دیگری خریده می‌شود، مردم بیشترین اعتماد را به سازمان‌های مذهبی دارند، کلیسا بیشترین نقش را در تأسیس نهادهای خیریه دارد. در جهان اسلام نیز اوضاع چنین است و بلکه دینی‌تر. در میان مسلمانان، دین هنوز هم به‌مثابه یک سرمایه اجتماعی نیرومند، فعالیت اجتماعی خود را حفظ کرده است و تحولات زیادی را دامن می‌زند. این‌ها نشان می‌دهند که یک دانش آموخته الهیات می‌تواند روابط خود را با جامعه علمی حفظ کند و برای پاسخ به چالش‌های فرهنگی و اجتماعی نقش‌آفرین باشد. الهیات می‌تواند به‌مثابه یک رشته علمی در دانشگاه‌ها تدریس شود. آنچه در این میان مهم است، توجه به خصلت پویایی و انعطاف الهیات است. دانشگاه‌ها به‌جای تلاش برای حفظ هویت موروثی الهیات باید بکوشند تا آن را با فهم و تفسیر جدید جامعه از ایمان و معنویت هماهنگ کنند. این درست است که هنوز هم برخی از پرسش‌های الهیاتی قرن شانزدهم برای جهان پست‌مدرن باقی هستند و نیازمند پاسخ؛ اما این جهان با پرسش‌های تازه‌تر و گیج‌کننده‌تری هم روبه‌روست که الهیات به‌مثابه یک دستگاه فکری، باید به آن‌ها پاسخ دهد. الهیات می‌تواند به معنای واقعی الهیات بماند و در دانشگاه‌ها تدریس شود، اگر به پرسش‌های نوشونده و روزافزون جهان پیرامونش توجه کند.

درنگ

تفسیری ناشناخته از خراسان قرن ششم



دکتر مرتضی کریمی‌نیا
نسخه‌پژوه

مدتی پیش به نسخه‌ای از تفسیر قرآن برخوردم که در کتابخانه چستربیتی به شماره ۳۷۳۸، و عکس آن در کتابخانه آیت‌ا... مرعشی در قم است. این تفسیر مجهول المؤلف از آغاز سوره مریم تا پایان سوره ناس را شامل می‌شود. احتمالا مفسر ایرانی، اهل خراسان بزرگ و چه‌بسا ساکن نیشابور است. نسخه در ایران کتابت شده و بعدها افزوده‌هایی به فارسی به آن اضافه شده است. با مقایسه آن با تفاسیر معروف این دیار، به قطع می‌دانم که این اثر نسبتی مستقیم با ثعلبی (م۴۲۸ق)، واحدی نیشابوری (م۴۶۷ق)، فراء بغوی (م۵۱۶ق) و معافی موصلی (م ۶۳۰ق) صاحب نهایه البیان فی تفسیر القرآن ندارد؛ اما سوی دیگر، از تمایلات کرّامیه و متصوفه به دور نیست.

نسخه این تفسیر مانند بسیاری از تفاسیر متوسط الحجم در قرون میانه، در دو جلد مجزا نوشته شده است. بخش اول شامل تفسیر از آغاز قرآن تا پایان سوره کهف و بخش دوم حاوی تفسیر از آغاز سوره مریم تا پایان قرآن است. نسخه کنونی چستربیتی تنها مشتمل بر بخش دوم قرآن است. در آغاز و انتهای آن نامی از تفسیر و مؤلف نمی‌یابیم. من امید دارم بخش نخست تفسیر در ایران یا عراق (مکتبه کاشف الغطاء یا المکتبه الغرویه در حرم علوی) یافت شود. در نسخه این تفسیر در چستربیتی (۳۷۳۸) در روی برگ یک الف، مهری با این مضمون آمده است: «بسمه تعالی من کتب علی بن الرضا بن موسی بن جعفر کاشف الغطاء سنه ۱۳۳۴ قدس سره.» این امر نشان می‌دهد که تفسیر مذکور دست‌کم تا یک قرن پیش در عراق بوده و پس از آن به کتابخانه چستربیتی راه یافته است.

مفسر در این اثر، به موضوع قرائات توجه و اهتمام دقیق و جالبی دارد. جزئیات اختلاف قرائات را به گونه‌ای ذکر می‌کند که مطابق جست‌وجوی من کپی‌برداری مستقیم از عین مطالب دیگران نیست. از لغویان و مفسران ادبی قدیم چون فراء و ابوعبیده، اخفش و اصمعی و قطرب، و از مفسران صحابی و تابعی چون اُبَی، ابن عباس، حسن بصری و... نقل می‌کند. نام کلبی، ثوری، مقاتل، شهر بن حوشب، و مجاهد هم مکررا ذکر می‌شود و مفسر در آغاز تمام سوره‌ها، روایات فضل قرائت سوره را از اُبَی و دیگران نقل می‌کند. معدود روایاتی نیز از امام صادق(ع) دارد. در میان مفسران کمی بعدتر، گاهگاهی نام ابن جریر (طبری) و الامام ابومنصور (احتمالا محمد بن محمد الماتریدی) را در تفسیرش می‌یابیم، اما در این میان، توجه فراوان و خاصی به ابوالقاسم قشیری (۳۷۵ـ۴۶۵ق) دارد و منقولات وی عینا با متن کنونی لطائف الاشارات قشیری مطابقت دارد.

با آنکه تمام تفسیر به عربی است، گاه یادداشت‌هایی به فارسی و عربی (از غیر مولف) در حاشیه نسخه نوشته شده است. از نمونه‌های فارسی این است: «و محمد بن جریر همی گوید: هر کجا به قرآن اندرست لا اقسم، چنان همی گوید که او سوگند یاد کنم. و انت حل بهذا البلد و تو که فرود آینده‌ای بدین شهر...» (برگ ۴۱۲). مفسر در آغاز هر سوره، بسمله را مطابق با مضامین و تعابیر برگرفته از همان سوره تفسیر می‌کند و به تعبیری دیگر، از صنعت براعت استهلال بهره می‌گیرد.

دکتر مجید تفرشی از مذهب و اجتماع در مشهد، در سال‌های میان انقلاب مشروطیت تا کودتای ۱۲۹۹ می‌گوید

خیزش خراسان در روزگار مشروطه

امید حسینی نژاد

«مشروطیت حرکتی بود که با پیشاهنگی علما که مظهر دین‌داری مردم بودند، توانست پیش برود. بله، فلان روشن‌فکر، فلان نویسنده، فلان محفل پنهانی در کشور بود، نه اینکه نبود اما پیش نمی‌رفت، کاری نمی‌توانستند بکنند، نفوذی در مردم نداشتند.» این سخنان رهبر معظم انقلاب در تبیین نقش علمای دینی در زمینه‌سازی مشروطه خواهی است. پیشاهنگی علمای دینی در دوران پرتنش مشروطه خواهی در منابع گوناگون تاریخی ثبت شده است. روحانیت به‌مثابه یک طبقه مؤثر در انقلاب مشروطه به‌دلیل وابسته نبودن به هیئت حاکم، نکته مثبت و نمایانی است و حضور این قشر در میان همه گروه‌های مردمی، یکی از عوامل مهم تاریخ معاصر ایران به حساب می‌آید. در این نهضت، علما در سطحی گسترده با کارکردهای متنوع تر به عرصه پیکار با استبداد گام نهادند. از این زمان به بعد، نقش روحانیون در تحولات جامعه پررنگ‌تر شد، به صورتی که حضور روحانیت در منابر، سخنرانی‌ها و همچنین در هر تحصن، قیام و شورش علیه استبداد مشهود است.

در مشهد نیز جریان‌های دینی و سیاسی رویکردهای گوناگونی به قبول یا رد مشروطه خواهی نشان دادند. سید محمد حسین نجفی با مشروطه همراه نبود و چون مشروطه خواهان با وی به دشمنی برخاستند، به هندوستان رفت و پس از چندی به مشهد بازگشت و پس از شهادت شیخ فضل‌ا... نوری در ۱۳۲۷ شبا هنگام، مشروطه خواهان، آهنگ جان او کردند، اما جان به سلامت برد. در برابر جریان مخالف مشروطیت، شماری از عالمان مشهد در ردیف پیشگامان مشروطه به‌شمار می‌آمدند. از سردمداران روحانی مشروطه خواهی در مشهد، شیخ ذبیح‌ا... مجتهد قوچانی، از شاگردان میرزای شیرازی و آخوند خراسانی، بود. او برای کشاندن روحانیون و عالمان به صف مشروطه خواهان، ابتدا با چند تن از علمای برجسته از جمله حاج میرزا حبیب‌ا... مجتهد به گونه محرمانه، مسئله‌نامه آخوند خراسانی را، که در آن از وی خواسته شده بود در راستای گسترش اندیشه مشروطه خواهی به تلاش برخیزد، در میان گذاشت. ولی بیشتر آنان عذر آوردند و از اینکه در این راه گام بردارند، سر باز زدند، تا اینکه با حاج سید اسدا... قزوینی مجتهد، که تازه به مشهد وارد شده بود، پس از چند نشست سرّی، پیمان بستند تا در راه پیشرفت مشروطه به تلاش برخیزند و با کسی هم این پیمان را در میان ننهند. برای واکاوی هرچه بهتر این موضوع و نقش علمای دینی در روزگار مشروطه، با دکتر مجید تفرشی، تاریخ پژوه، گفت‌وگو کرده‌ایم. او سال‌هاست که درباره اسناد دوره قاجار و پهلوی پژوهش می‌کند. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه بخوانید.

در منابع تاریخ مشروطه بیشتر به نقش مشروطه‌خواهان تهران در تحولات تاریخی آن برهه اشاره می‌شود. به نظر شما مشهد چه جایگاهی در دوره تاریخ ساز مشروطه داشته است؟

پیروزی انقلاب مشروطیت و پیامدهایش هم‌زمان با سراسر ایران، در خراسان و مشهد نیز تأثیرات شگرفی به جا گذاشت. برخلاف شماری از منابع تاریخی که نقش خراسان و مشهد در مشروطیت را ناچیز و کم‌رنگ جلوه داده‌اند، این منطقه در این خیزش سراسری، فعال و پرتلاش بود. علاوه‌بر کم‌توجهی به منابع متعدد پراکنده و چند منبع اصلی در این موضوع، در روایات و منابع بین‌المللی، گزارش‌های کنسولگری‌های بریتانیا در مشهد و دیگر نواحی خراسان، عمدتا نادیده گرفته شده است.

محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه سال‌ها پیش از مشروطیت، در کتاب مهم خود، «مطلع الشمس» که درباره تاریخ و جغرافیای خراسان است، از مشهد به‌عنوان سرزمین قیام‌های نافرجام یاد می‌کند. در دو سال قبل از پیروزی اولیه مشروطیت، چندین خیزش سیاسی و اجتماعی در دوران والیگری غلامرضاخان آصف‌الدوله در منطقه رخ داد که از آن‌ها به‌عنوان پیش‌زمینه‌های مشروطه خراسان و حتی تأثیرگذار بر جنبش مشروطیت در سراسر کشور یاد می‌شود.

اعتمادالسلطنه به چه رویدادهایی اشاره می‌کند؟

حوادثی چون ماجرای فروش دختران قوچان به ترکمانان به‌دلیل فقر شدید خانواده‌ها یا دو شورش علیه کمبود ارزاق و نان در سال‌های ۱۲۸۲ و ۱۲۸۴ خورشیدی به‌دلیل قحطی، از بین رفتن محصولات کشاورزی و احتکار آن توسط عوامل مقامات محلی موجب درگیری‌های جدی و قتل چندین نفر از مردم معترض، سپس برکناری آصف‌الدوله و جانشینی محمودخان ناصرالملک همدانی به‌جای او شد. حمایت شماری از علمای مهم مشهد از این اعتراضات، موجب تبعید چند تن از آنان به درگز و کلات شد.

در این دوره نقش جریان‌های حوزوی در جریان‌سازی و هدایت جریان‌های مردمی چگونه ارزیابی می‌شود؟

حساسیت مسائل خراسان و مشهد، آن قدر اهمیت داشت که آخوند محمد کاظم خراسانی، رهبر معنوی مشروطیت، یک سال پس از پیروزی اولیه انقلاب، فرزند خود، میرزا محمد نجفی، معروف به آقازاده خراسانی را برای اداره امور دینی و اجتماعی به نمایندگی از سوی خود روانه مشهد کرد. دوران اقامت آیت‌ا... آقازاده در مشهد که تا قیام گوهرشاد در سال ۱۳۱۴ خورشیدی به طول انجامید و سرانجام به دستگیری و تبعید او به تهران و مرگ بسیار مشکوک او منجر شد، دورانی مهم و کمتر شناخته‌شده در تاریخ معاصر مشهد و خراسان است.

در فاصله میان مشروطیت تا کودتای ۱۲۹۹، سوای علما و حوزه علمیه، مجامع علمی فرهنگی و تجار و بازرگانان نیز در مشهد فعالیت داشتند. در این فاصله، بروز جنگ جهانی اول و در اواخر آن، پیروزی انقلاب اکتبر در روسیه و پس از آن بروز جنگ داخلی میان بلشویک‌های حاکم و ضدانقلابیون معارض، در مشهد بیش از اغلب مناطق ایران تأثیرگذار بود.

در همان دوره فارغ از تأثیر جریان‌های دینی در تحولات، جریان‌های دیگری که فعالیت‌های سیاسی داشتند، چگونه در این زمینه فعال شدند؟

در این دوره، علاوه بر عناصر حکومتی، دینی، اجتماعی و اقتصادی تأثیرگذار بر تحولات، چند جبهه جدید در صحنه حوادث خراسان و مشهد ظاهر شد: روزنامه‌نگاران آزادی‌خواه و سیاست‌ورزان تأثیر گرفته مستقیم یا غیرمستقیم از بلشویسم و نظرات سوسیالیستی و همچنین سوسیال دمکرات‌های فراری یا اعزامی از روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز برای گسترش بلشویسم در خراسان و البته مهاجران گریخته از حکومت تازه‌تأسیس لنین در آن سوی خزر.

با وجود اطلاعات مختلفی که در هریک از این موارد وجود دارد، هنوز مطالب مهم و ناگفته‌ای در این مقولات باقی مانده است. برای مثال، اطلاعات منتشرشده درباره انجمن ایالتی خراسان که زاده مشروطیت است، با نقش انجمن‌های اجتماعی و ادبی مختلف در مشهد یا اتحادیه‌های تجار و بازاریان در منطقه، کمتر مورد بررسی و توجه قرار گرفته است.

درباره هریک از این بخش‌های تأثیرگذار در حوادث مشهد، گفتنی‌ها و ناگفته‌های بسیاری وجود دارد. برای درک بهتر حلقه‌های ارتباطی این اجتماعات باید به بررسی چهره‌های مرتبط با این مجامع پرداخت.



دکتر مجید تفرشی: برخلاف شماری از منابع تاریخی که نقش خراسان و مشهد در مشروطیت را ناچیز و کم‌رنگ جلوه داده‌اند، این منطقه در این خیزش سراسری، فعال و پرتلاش بود

به نظر شما اثرگذارترین افراد در تحولات مشروطه‌خواهی در میان علمای دینی چه کسانی بودند؟

علاوه‌بر آقازاده خرسانی، شاید تأثیرگذارترین فرد مرتبط با همه این مجامع شیخ احمد بهار بود. احمد بهار ضمن سابقه روحانیت، به‌دلیل ارتباطات گسترده با علما، اشتغال حرفه‌ای به روزنامه‌نگاری با روزنامه بهار، ارتباط فامیلی نزدیک با ملک‌الشعرای بهار و خانواده پرنفوذ بهار، تهرانی‌زاده، تهرانیان و از آن طرق با بازرگانان منطقه و روشن‌فکران مرکز، نقش محوری را در مشهد، منطقه، کشور و حتی مبارزات علیه مظالم بریتانیا و شوروی ایفا کرد. این نقش مهم محلی احمد بهار نیز همانند کارکرد آقازاده خراسانی تا زمان دستگیری و تبعید او پس از خیزش گوهرشاد در سال ۱۳۱۴ ادامه یافت.

در سال‌های منتهی به سقوط قاجاریه، در قلمرو علمای بزرگ منطقه، از نظر تأثیر سیاسی و مردمی، سوای علمای حوزوی چون آیت‌ا... یونس اردبیلی یا ادیب نیشابوری و شیخ هاشم قزوینی که بیشتر متمرکز بر حوزه بودند، آیت‌ا... حاج آقا حسین قمی و آقازاده خراسانی بیشترین تأثیر و نفوذ را به‌عنوان مرجعیت محلی را داشتند. البته مقام معنوی و علمی قمی در بین علما و حوزه بیشتر بود و نفوذ اجتماعی، مردمی و سیاسی آقازاده بیشتر بود. قمی از دخالت مستقیم و مستمر در سیاست پرهیز داشت و جایگاه عمومی و مردمی آقازاده نمایان‌تر بود.

در دوران جنگ جهانی اول، فعالیت‌های خارجی‌ها و ستمگری‌های آن‌ها چه تأثیری در ایجاد جریان‌های ضداستعماری داشت؟

اشغال مناطق مختلف خراسان توسط نیروهای نظامی و امنیتی روسیه، بریتانیا و عثمانی مظالم آنان در دوران جنگ اول، منجر به افزایش روحیه ضداستعماری و جبهه نسبتا متحد علیه تجاوز خارجی در منطقه شد. برای فرماندهی قوای خارجی، نه تنها خود خراسان از اهمیت راهبردی برخوردار بود، بلکه به‌دلیل هم‌جواری با مناطق شرقی و شمالی پیرامونی ایران، خراسان را به مرکز فعالیت‌های جاسوسی و عملیاتی قوای اشغالگر تبدیل کرده بود. در هفت سال پایانی حکومت قاجار، از ۱۲۹۷ تا ۱۳۰۴، از پایان جنگ جهانی تا کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و سپس تغییر سلطنت در پاییز ۱۳۰۴، منطقه دچار دگرگونی‌های جدی شد. این تحولات نه تنها سیاستگران، بازرگانان و روزنامه‌نگاران را درگیر خود کرد، بلکه علما و معاریف سیاست‌گریز و مسئولان آستان قدس و مسجد گوهرشاد را نیز وارد کنش‌های سیاسی کرد. باید توجه کرد که تا اوایل حکومت پهلوی و استقرار سلطنت پهلوی، نایب‌التولیه آستان قدس و تولیت مسجد گوهرشاد، دو سمت جداگانه بودند که گاهی با هم رقابت و ناهماهنگی جدی نیز داشتند. از آنجایی که حکومت مرکزی بر انتخاب تولیت مسجد دخالت مستقیم نداشت، در عمل این جبهه‌بندی در جهت حکومت و مردم نمایان می‌شد.

تا قبل از استقرار محمد ولی خان اسدی، نایب‌التولیه از اقتدار کاملی بر موقوفات آستانه در استان برخوردار نبود و عناصر تأثیرگذار محلی چون طایفه سادات رضوی چندان از دولت مرکزی و نمایندگان حکومت تمکین نمی‌کردند. در عین حال اختلافات و رقابت‌های عناصر چهارگانه حاکم بر مشهد (نایب‌التولیه، والی، رئیس نظمیه و فرمانده قشون/لشکر شرق) نیز بر تشتت محلی می‌افزود. با ریاست اسدی بر آستان قدس و مدیریت و مدارای بی‌نظیر او، تا حد زیادی از این تشتت کاسته شد. بعد از قیام گوهرشاد و دستگیری و اعدام اسدی نیز حکومت مرکزی رضاشاه با ادغام دو مقام والیگری/استانداری با نیابت تولیت استان قدس، کنترل خود بر مشهد را تثبیت کرد.

علما و سیاست‌مداران مشهد چه رویکردی در مقابل تغییر سلطنت قاجار داشتند؟

در این شرایط، مشهد و خراسان، کمترین همراهی و موافقت را با کودتا و تغییر سلطنت نشان داد. هر چند در اوایل سلطنت پهلوی، به‌دلیل مماشات اولیه رضاخان/رضاشاه و رفتار مردم‌دارانه اسدی، بدبینی‌ها و مقاومت‌ها نسبت به حکومت جدید چندان آشکار نبود و حتی آقازاده به امید حفظ اقتدار محلی نسبت به تعدی دولت مرکزی، عضویت مجلس مؤسسان تغییر سلطنت از قاجار به پهلوی را نیز پذیرفت. با این همه، به تدریج مشهد و منطقه به دلایل مختلف به سمت نارضایتی، نافرمانی و قیام پیش رفت. ولی باید توجه کرد که در ۱۴ سال نخست حکومت رضاخان، از کودتای ۱۲۹۹ تا خیزش گوهرشاد، حوادث به سمت انسداد رابطه دین و دولت پیش رفت.

آخوند خراسانی در درس خارج فقه و اصول در نجف اشرف

روایتِ شاه‌عباس صفوی



شهرآرا- اندیشه | شاه‌عباس پنجمین پادشاه سلسله صفویان بود که از سال ۹۰۷ بر ایران حکومت داشت.

شاه‌عباس در دوران اوج قدرت سلسله صفوی بر ایران فرمان راند. او را یکی از اثرگذارترین شاهان در تاریخ ایران دانسته‌اند. نام او که اغلب با لقب «کبیر» همراه می‌شود با اصفهان که یکی از محبوب‌ترین شهرهای ایران به شمار می‌رود، مترادف است.

کتاب «شاه‌عباس: پادشاهی که ایران را از نو ساخت» نوشته «شعله کوئین» به‌عنوان بخشی از مجموعه «سازندگان جهان اسلام» برای خواننده عادی و غیرمتخصص نوشته شده است و به هیچ‌وجه زندگی‌نامه جامع و فراگیری از کل زندگی و کارهای شاه عباس نیست. نویسنده بیشتر ترجیح داده است بر وقایع، تحولات و جنبه‌های مهم و برگزیده زندگی او تمرکز کند. در بعضی موارد، توضیحات مبسوطی از یک واقعه فراهم آمده است تا گرایش‌ها و حرکات کلی‌تری نشان داده شود.

کتاب از نظر زمانی و موضوعی تقسیم‌بندی شده است. فصل اول پیش‌زمینه‌ای تاریخی را ارائه می‌دهد و فصل دوم سال‌های اولیه زندگی و نخستین مرحله سلطنت او را دربر می‌گیرد؛ یعنی زمانی که دشمنان داخلی و خارجی را شکست داد و قدرتش را قبل از انتقال پایتخت به اصفهان تحکیم کرد. فصل‌های سوم تا ششم هر یک جنبه‌هایی از مرحله دوم سلطنت او را از ۱۰۰۶ـ۱۰۲۱ گزارش می‌کند که از جمله شامل ساختن اصفهان، تحولات دینی، جنگ و سیاست خارجی و صنایع و هنرها می‌شود. فصل هفتم به بررسی مرحله نهایی سلطنت شاه‌عباس می‌پردازد، هنگامی که بیشتر وقتش را در نواحی شمالی در ساحل دریای مازندران می‌گذراند. این فصل همچنین بعضی اظهارنظرهای مختصر نهایی را هم ارائه می‌کند. در بعضی موارد معدود، وقایعی که پس از سال ۱۰۲۱ رخ داده است، در فصول قبلی دیده می‌شود تا به پیوستگی موضوع لطمه‌ای وارد نشود.

میراث مکتوب

کهن‌ترین نسخه خطی کاغذی دنیا



شهرآرا- اندیشه | نسخه‌های خطی در هر کشوری به‌مثابه گنجینه‌ای ارزشمند و میراثی مثال‌زدنی محسوب می‌شود. ایران در میان کشورهای مختلف دنیا جایگاه ممتازی در نگهداری نسخ خطی کهن دارا است. در برخی دوره‌های تاریخی، معضلی به نام فروش نسخه‌های کهن به دلالان نسخ خطی وجود داشت که این دلالان با دریافت هزینه‌هایی از کشورهای اروپایی، نسخه‌های نفیس را برای آنان خریداری می‌کردند. کتابخانه‌های اروپایی مملو از نسخه‌های خطی ایرانی و اسلامی است که از افراد مختلف خریداری و به آنجا منتقل شده است. قدیمی‌ترین نسخه کاغذی جهان نیز از این قاعده مستثنا نشده است. کتابخانه لیدن هلند، یکی از کتابخانه‌های مشهور اروپا در زمینه نگهداری نسخه‌های خطی عربی و فارسی است. در این کتابخانه، نسخه‌های نفیس کهنی نگهداری می‌شود که از سرزمین‌های اسلامی و شرقی خریداری شده و به آنجا برده شده است. یکی از نفایس این کتابخانه نسخه خطی، کتاب «غریب الحدیث» ابوعبید قاسم بن سلام هروی است. او اهل هرات بوده و در زمینه ادبیات عربی، یکی از سرآمدان روزگارش بوده است. این نسخه که در سال ۲۵۲ هجری قمری کتابت شده است، هم اکنون در کتابخانه لیدن هلند به شماره ۲۹۸.OR نگهداری می‌شود. این نسخه جلد نهم کتاب غریب الحدیث ابوعبید قاسم بن سلام متوفای سال ۲۲۴ هجری قمری است که ۲۴ سال بعد از وفات مؤلف به خط کوفی جدید کتابت شده است. در پایین صفحه اول نسخه، متنی به زبان فارسی کهن نوشته شده که نشان‌دهنده آن است که این نسخه در دوره‌ای در تملک فردی ایرانی بوده است.